

بررسی شخصیت علمی و فرهنگی امام صادق علیه السلام

در منابع اهل سنت

مبشر حسن^۱

چکیده

در منابع اهل سنت روایات زیادی از امام صادق علیه السلام بیان شده است؛ و این به لحاظ حلقه‌های درسی بوده که امام صادق علیه السلام در مدینه و کوفه دایر کرده بود و شاگردان زیادی از جمله فقهای اهل سنت معاصر خویش را جذب کلاس و درس خود کرده بود. بررسی منابع اهل سنت تا قرن دهم هجری نشان می‌دهد علماء و فقهای اهل سنت علاوه بر تعریف و تمجید از شخصیت اخلاقی و علمی و اجتماعی امام صادق علیه السلام، روایات زیادی را در موضوعات مختلف علمی از جمله فقه، حدیث، علوم قرآن، اخلاق، تاریخ و ... در منابع خود بیان کرده‌اند که به تبع آن منابع پسین نیز از آراء و نظرات امام در منابع خود استفاده نموده است. بسیاری از منابع امام علیه السلام را ثقه و بعضی صدوق و عده‌ای نیز ایشان را غیرقابل مقایسه با دیگران می‌دانند. لذا بسیاری ملقب شدن حضرت به صادق علیه السلام را به جهت تحلیل‌ها و پیش‌گویی‌های درست امام علیه السلام دانسته‌اند.

کلیدواژگان

امام صادق علیه السلام، اهل سنت، شیعه، ثقه.

^۱. دانش‌پژوه سطح چهار تاریخ اهل بیت علیهم السلام، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه.

مقدمه

اهل سنت دیدگاه‌های مختلفی درباره امام صادق علیه السلام دارد. بررسی منابع آن‌ها در بعد علمی و فرهنگی امام صادق علیه السلام جایگاه علمی آن حضرت را بیشتر برای ما آشکار می‌نماید. آنچه از این گزارش‌ها به دست می‌آید بیانگر این مطلب است که امام صادق علیه السلام شخصیتی است، که از نظر علم و دانایی و فهم و بصیرت بر سایر دانشمندان عصر خود برتری دارد و مانند پدران و اجداد گرامی خود بر علوم مختلف احاطه و تسلط دارد و علوم جدید و لایه‌های ناشناخته آن را برای جویندگان علم آشکار می‌نماید.

مهارت خاص در تدریس و تفهیم مطالب علمی، باعث گردید شاگردان زیادی دور حضرت جمع شوند و از چشمه‌های ارزشمند علمی بهره‌مند شوند. طلاب و دانش‌پژوهان از اقصی نقاط جهان اسلام به حضور حضرت می‌رسیدند و مسائل و مشکلات علمی را از محضر آن حضرت، جویا می‌شدند. احاطه علمی آن حضرت بسیار گسترده بود به گونه‌ای که هیچ گزارشی مبنی بر اینکه امام صادق علیه السلام در پاسخ دادن به مسئله‌ای در مانده باشد، یافت نمی‌شود.

جایگاه علمی امام صادق علیه السلام

درباره شخصیت علمی امام صادق علیه السلام از جانب دانشمندان و بزرگان فرق و مذاهب اهل سنت تعریف‌ها و تمجیدهای بی‌شماری شده است که در این بخش آن‌ها را به اختصار بیان می‌کنم.

توثیق و تصدیق

عده‌ای مانند یحیی بن معین، شافعی، ابن ابی حاتم و بسیاری دیگر امام علیه السلام را توثیق نموده و با الفاظی مانند ثقة^۱ مأمون ثقة^۲ کثیر الحدیث ثقة^۳ لا یسأل عن

۱. الجرجانی، أبو أحمد، الكامل فی ضعفاء الرجال، ج ۲، ص ۱۳۱.

۲. همان.

۳. ذهبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد بن عثمان، تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۶؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۳، ص ۴۹۷.

مثله از حضرت یاد کرده‌اند.^۱
 عده‌ای نیز مانند یحیی قطان^۲ و ابن حجر^۳ عبارات «ماکان کذباً و صدوق فقیه
 امام» برای بیان وثاقت امام به کار برده‌اند.
 و جملات گران‌بهای دیگری نیز در این منابع در تعریف و تأیید راست‌گویی
 امام صادق علیه السلام نقل شده است که عبارت‌اند از:
 هو المعروف بالصادق الإمام العلم المدني^۴
 و لقب بالصادق لصدقه فی مقاله.^۵
 المعروف بالصادق فقیه امام^۶
 بسیاری از فقهاء و نویسندگان اهل سنت، اعترافات بسیار جالبی درباره
 شخصیت علمی امام صادق علیه السلام نموده‌اند که به چند نمونه اشاره می‌کنم.
 ابوحنیفه پیشوای بزرگ حنفیان و از شاگردان آن حضرت، امام صادق علیه السلام را
 فقیه‌ترین شخصی می‌داند که تاکنون به چشم دیده است.^۷ و ذهبی نیز ایشان را
 امام العلم معرفی می‌کند.^۸
 جاحظ (م ۲۵۵) و ابن حجر هیثمی (م ۹۰۹) امام صادق علیه السلام را یک شخصیت
 علمی جهانی می‌داند. شخصیتی که علوم او در تمام جهان منتشر و پراکنده
 گردیده است.^۹

۱. یحیی بن معین و شافعی می‌گویند: جعفر بن محمد ثقة است. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر،
 المنتخب من ذیل المذیل، ج ۱، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.
۲. الجرجانی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۲، ص ۱۳۲؛ عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۶۷.
۳. عبد الباری، الروایات التفسیریة فی فتح الباری، ج ۲، ص ۸۷۴.
۴. او همان کسی است که به صادق مشهور گشته. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۲۷.
۵. او را به خاطر راستی در گفتار لقب داده‌اند. همان، ج ۴، ص ۲۸.
۶. او همان کسی است که به صادق مشهور گشته، فقیه و پیشوا است. سیوطی، عبدالرحمن بن
 ابی‌بکر، الشمائل الشریفه، ج ۱، ص ۲۳۷.
۷. حسن بن زیاد یقول: سمعت ابا حنیفه و سئل: من أفقه من رأیت؟ فقال: ما رأیت أفقه من جعفر
 بن محمد. الجرجانی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۲، ص ۳۵۱.
۸. ذهبی، تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر الاعلام، ج ۱۰، ص ۸۸.
۹. نقل الناس من العلوم ما سارت به الرکیان و انتشر صیته فی جمیع البلدان، ابن حجر هیثمی، أبی‌العباس
 أحمد بن محمد بن محمد بن علی، صواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه، ج ۲، ص ۵۸۶.

از سخنان حفص بن غیاث در بصره (در گفتگو با افرادی که به دیدار او آمده بودند) به دست می‌آید امام صادق علیه السلام در کوفه در میان شیعیان از چنان جایگاهی برخوردار بود که کسی جرأت بی‌احترامی به حضرت را نداشت. او به مردم بصره که از او خواسته بود از سه نفر از جمله امام جعفر صادق علیه السلام حدیث نگوید، می‌گوید. اگر شما در کوفه می‌بودید، (به خاطر بیان چنین خواسته‌ای) کفش‌ها بر شما فرود می‌آمد.

جاحظ (م ۲۵۰) می‌نویسد: جعفر بن محمد کسی است که علم و فقه او دنیا را پر کرده و گفته می‌شود ابوحنیفه و سفیان ثوری از شاگردان او می‌باشند.^۱ ابن حبان (م ۳۵۴) می‌نویسد:

جعفر بن محمد ... از نظر علم و فقه و فضل از بزرگان اهل بیت است و سفیان ثوری و مالک و شعبه و ... از او روایت کرده‌اند.^۲

جایگاه علمی امام صادق علیه السلام از نگاه مفسرین اهل سنت

مفسران اهل سنت نیز در تفسیر آیات قرآن مجید به مقام علمی امام صادق علیه السلام توجه نموده‌اند و از روایات حضرت به کرات استفاده کرده‌اند. از بررسی تفاسیر اهل سنت تا پایان قرن نهم به روایات زیادی در موضوعات مختلف برمی‌خوریم. بنا ندارم همه روایات بکار رفته از امام صادق علیه السلام در این تفاسیر را بررسی کنم بلکه می‌خواهم جایگاه امام صادق علیه السلام را از دید این تفاسیر بررسی کنم لذا به چند نمونه اشاره می‌کنم.

آنچه از روایات موجود به دست می‌آید این است که نگاه و برخورد مفسران اهل سنت به امام صادق علیه السلام متفاوت است و آن‌ها را می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد.

۱- عده‌ای از امام صادق علیه السلام اصلاً روایت نقل نکرده‌اند.

در این گروه مفسرینی مانند شافعی^۳ ابن قیم^۱ و نسفی^۲ و ... قرار دارد که حتی

۱. جاحظ، عمرو بن بحر، رسایل الجاحظ، ص ۱۰۶.

۲. أبو حاتم التمیمی البستی، محمد بن حبان بن أحمد، الثقات، ج ۶، ص ۱۳۱.

۳. شافعی، ابن ادريس محمد، احکام القرآن.

یک روایت نیز از امام علیه السلام نقل نکرده‌اند.

۲- عده‌ای مانند واحدی ابن ابی حاتم^۳ طبری^۴ و ... در تفاسیر خود از روایات امام صادق علیه السلام بهره برده‌اند؛ و صرفاً به‌عنوان راوی و نقل‌کننده حدیث به امام توجه نموده‌اند. چون در روایات آن‌ها امام علیه السلام در وسط سند قرار دارد.

۳- بعضی از مفسرین نیز امام صادق علیه السلام را در جایگاهی بالاتر از این قرار داده و آن حضرت را به‌عنوان یک مفتی و فقیه و صاحب‌رای پذیرفته‌اند و روایاتی که امام صادق علیه السلام در انتهای سند قرار دارد را نیز آورده و در تفسیر آیات از آن استفاده نموده‌اند. در این گروه کسانی مانند قرطبی^۵، حسکانی^۶ ابن عطیه اندلسی^۷ و بسیاری دیگر قرار دارند و دارای چنین دیدگاهی می‌باشند.^۸

باید به این نکته توجه نمود که هیچ‌یک از این منابع به میزان اعتبار روایات حضرت اشاره‌ای نکرده‌اند.

جایگاه علمی امام صادق علیه السلام از نگاه فقها و محدثین اهل سنت

از آن‌جاکه محتوای کتب حدیثی و فقهی متقدم اهل سنت دارای موضوعات مشابهی است و به‌سختی می‌توان از هم تمایز داد، لذا بنده این دو را در یک بخش بررسی می‌نمایم. در این دو مبحث نیز امام صادق علیه السلام در میان محدثین اهل سنت از گروه‌های دیگر بیشتر شهرت دارد. به‌گونه‌ای که اکثر منابع حدیثی

۱. نسفی، ابو حفص نجم‌الدین محمد، تفسیر نسفی.

۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم.

۳. تفسیر القرآن العظیم ج ۱، ص: ۲۲۶.

۴. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲۲.

۵. او در تفسیر آیات بدون واسطه از روایات خود امام صادق (ع) استفاده می‌کند؛ مانند قوله تعالی: (فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ) قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ رَحِمَهُمَا اللَّهُ: حَرَّمَ اللَّهُ الرِّبَا لِيَتَقَارَضَ النَّاسُ... الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۳۶۰.

۶. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص: ۳۵۵.

۷. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۱، ص ۶۰.

۸. ابن جزی غرناطی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۴، ص ۸۴، سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱۰، ص ۳۸۰.

اهل سنت احادیث آن حضرت را در ابواب مختلف فقهی نقل کرده‌اند. برای نمونه به چند منبع اشاره می‌کنم.

الف) کتب حدیثی

عبدالله بن مبارک (م ۱۸۱) او در مسند خود در موضوع قیامت، تنها به نقل یک روایت منقول از امام صادق علیه السلام آورده که با دو واسطه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند. در این روایت نیز امام علیه السلام در وسط سند قرار دارد که بیانگر این است که او نیز امام علیه السلام را یک راوی حدیث می‌داند.^۱

شافعی (م ۲۰۴) نیز در مسند خود حدود ۳۳ روایت از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند. این روایت‌ها در موضوعات مختلف فقه، عقاید، تاریخ و ... است. از جمله: قیامت^۲، حج^۳، نماز^۴.

در همه این روایات امام صادق علیه السلام در وسط اسناد قرار دارد جز یک روایت که در آن امام علیه السلام در انتهای سند قرار دارد.^۵

او نیز از جرح و تعدیل روایات صرف نظر نموده است؛ اما او علاوه بر اعتقاد به راوی بودن امام صادق علیه السلام، سخن خود امام را نیز قابل اعتبار می‌داند و سخنان آن حضرت را به عنوان منبع می‌پذیرد.

عبدالرزاق (م ۲۱۱) نیز از امام صادق علیه السلام روایت نقل می‌کند و معتقد است به روایات امام علیه السلام هم می‌توان استناد کرد. در بعضی از روایاتی که او نقل می‌کند امام در انتهای سند قرار دارد.

عبدالرزاق عن بن جریر قال أخبرني جعفر بن محمد أن النبي صلی الله علیه و آله بعث علي بن أبي طالب إلى ركاز باليمن فخمسها.^۶

۱. ... عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جابر قال: «قال رسول الله بعثت انا و الساعه كهاتين».

۲. شافعی، محمد بن إدريس أبو عبد الله، مسند شافعی، ج ۱، ص ۹۰.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۱۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۸۶.

۵. اخبرنا ابراهيم، حدثني جعفر بن محمد، ان النبي صلی الله علیه و آله و ابا بكر و عمر كبروا في العيدين و الاستسقاء... شافعی، محمد بن إدريس أبو عبد الله، مسند شافعی، ج ۱، ص ۳۲۰.

۶. صنعاني، أبو بكر عبد الرزاق بن همام، مصنف عبد الرزاق، ج ۴، ص ۱۱۶.

عبدالرزاق عن بن جریج قال أخبرني جعفر بن محمد عن أبيه ان النبي صلى الله عليه وآله قال فيما سقت السماء البعل و الأنهار العشور و ما سقى بالنضح بالدلاء نصف العشر قال عبدالرزاق البعل العثري.^۱

صحیح ابن حبان (م ۳۵۴): ابن حبان نیز ۱۹ حدیث به نقل از امام صادق علیه السلام در ابواب مختلف فقهی روایت نموده است؛ که عبارت‌اند از: حج^۲، نماز و روزه مسافر^۳، نماز جمعه^۴، ویژگی‌های پیامبر صلى الله عليه وآله و ... در این کتاب نیز ابن حبان امام صادق علیه السلام را در حد یک روای صرف می‌داند.

سنن ابی داوود (م ۲۷۵): کتاب دیگری که به نقل روایات امام صادق علیه السلام پرداخته است، سنن ابی داوود است. ابی داوود در کتاب خود نسبت به روایات موجود حساسیت بیشتری نشان می‌داد لذا از بین پانصد هزار حدیث، تعداد پنج هزار حدیث را انتخاب کرده که در میان آن‌ها روایاتی که منقول از امام صادق علیه السلام است، فقط پنج روایت است که در ابواب فقهی مانند نماز و حج بیان شده است.^۶

در این روایات نیز امام علیه السلام در وسط اسناد قرار دارد که بیانگر این مطلب است که او نیز امام علیه السلام را فقط یک روای حدیث می‌داند.

ب) کتب فقهی

فقه‌های اهل سنت نیز در منابع فقهی خود در موارد زیادی از روایات امام صادق علیه السلام در استنباط احکام فقهی استفاده کرده‌اند. از جمله: موطأ مالک بن انس (م ۱۷۹): مالک در کتاب خود حدود چهارده روایت به نقل از امام صادق علیه السلام بیان می‌کند. این روایات در ابواب مختلف فقهی و اخلاقی

۱. همان، ص ۱۳۳.

۲. تمیمی بستی، أبو حاتم محمد بن حبان بن أحمد، صحیح ابن حبان، ج ۱۶، ص ۱۲۳-۱۲۸.

۳. همان ج ۷، ص ۲۹، ج ۱۱، ص ۳۹۳.

۴. همان، ج ۱۲، ص ۹۴.

۵. همان، ج ۱۳، ص ۱۱۸.

۶. سجستانی، أبو داود سلیمان بن أشعث، سنن أبی داود، ج ۳، ص ۴۰۳، ج ۲، ص ۱۲۲.

و... بیان شده است؛ مانند نماز^۱، حج، عمره^۲ و...

در تمام این روایات، امام صادق علیه السلام در وسط اسناد قرار دارد. مالک باین که امام علیه السلام را ثقه می داند، اما روایتی که در آن امام ع در انتهای سند قرار داشته باشد را ذکر نکرده است. بنابراین به صراحت می توان گفت: نگاه مالک به امام علیه السلام مانند دیگر راویان حدیث اهل سنت بوده است و هیچ فضل و برتری نسبت دیگران ندارد. ظاهراً مالک تمام روایاتی که در کتاب خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده را صحیح می داند لذا به جرح و تعدیل آنها نمی پردازد و یا هیچ یک را نیز تضعیف نکرده است.

مالک در کتاب حدیثی دیگر خود یعنی کتاب المدونه الکبری نیز همین گونه عمل کرده و در روش استفاده از روایات امام صادق علیه السلام هیچ تفاوتی دیده نمی شود.^۳

أبو عبدالله محمد بن حسن شیبانی (م ۱۸۹): او نیز روایات متعددی از امام صادق علیه السلام را در استنباط احکام فقهی بکار می برد. او نیز امام علیه السلام را در وسط اسناد ذکر کرده است.^۴

محمد بن إدريس شافعی (م ۲۰۴): او نیز در کتاب فقهی «الأم»، از روایاتی که امام صادق علیه السلام در وسط حدیث قرار دارد، برای استنباط احکام استفاده می کند؛ بنابراین او نیز امام علیه السلام را فقط یک راوی می داند.^۵

به نظر می رسد با وجود تعریفها و تمجیدها از شخصیت خاص امام صادق علیه السلام، نگاه فقها و مفسرین و محدثین حتی عرفای اهل سنت به یک اندازه نیست، بلکه عده ای آن حضرت را فقط یک راوی حدیث می داند و عده ای نیز آن حضرت را به عنوان یک مفسر و مفتی نیز پذیرفته است؛ اما گروه اول بیش از

۱. أصبَحِي، الموطأ، ج ۱، ص ۵۸.

۲. همان، ۱۸۹/۱ و ۱۹۰.

۳. مالک بن انس، المدونه الکبری، ج ۱، ص ۹۵، ج ۲، ص ۳، ج ۳، ص ۱۱۹، ج ۴، ص ۱۴۸، ج ۵، ص ۱۱۷.

۴. الشیبانی، حمد بن الحسن، الحجّة علی أهل المدينة، ج ۲، ص ۲۳۲.

۵. قال الشافعی أخبرنا سفيان بن عيينة عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جابر بن عبد الله أن النبي صلى الله عليه وآله كان يعرف علي رأسه من الجنابة ثلاثاً. الأم، ج ۱، ص ۴۱.

گروه دوم است.

اکثر منابع اهل سنت همگی روایاتی را که امام صادق علیه السلام از پدران گرامی اش بدون ذکر سلسله اسناد بیان می کند را می پذیرند به جز تعداد محدودی از آنها مانند؛ جلال الدین سیوطی و ... که آنها را مرسل می داند.

اساتید امام علیه السلام

بیشتر منابع روایی اهل سنت پس از اذعان به شخصیت والای علمی امام صادق علیه السلام، می گویند امام علیه السلام از بسیاری از شخصیت های علمی عصر خود روایت نقل کرده است که این امر نشان می دهد امام علیه السلام نزد آنان تلمذ نموده است. طبق این نظر امام صادق علیه السلام نیز هم طراز با علمای دیگر اهل سنت خواهد بود و هیچ فضیلتی بر آنها نخواهد داشت.^۱

این منابع افراد زیادی را به عنوان اساتید و شیوخ حدیثی امام صادق علیه السلام نام می برد که عبارت اند از:

قاسم بن محمد بن ابابکر، امام محمد باقر علیه السلام، عروه ابن زبیر، ابن المنکدر، عطاء بن رباح، ابن شهاب زهری، عبدالله بن ابی رافع، ابن ابی مریم، عبدالرحمن ابن قاسم، عکرمة.^۲

اما در هیچ یک از این منابع، گزارشی مبنی بر حضور مستمر آن حضرت نزد این افراد ارائه نکرده است. یا گزارشی مبنی بر این که خود امام علیه السلام نیز به غیر از امام باقر علیه السلام به داشتن چنین اساتیدی اذعان نموده باشد به دست نمی دهد.

بعضی از منابع اهل سنت تعدادی از روایات منقول از امام صادق علیه السلام را بیان می کند که خود آن حضرت نیز از فقهای دیگری مثل امام محمد باقر علیه السلام، عطاء بن ابی رباح،^۳ محمد بن منکدر،^۱ و کعب^۲ و ... بیان کرده است. یعنی امام علیه السلام از

۱. برخلاف عقیده شیعه که علم امام را علمی الهی و علم لدنی می داند.

۲. ابونعیم، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۳، ص ۱۹۸؛ ابن جوزی، صفه الصفوه، ج ۲، ص ۱۰۲؛ عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۶۹، صفدی، وافی بالوفیات، ج ۱۱، ص ۹۹.

۳. حدثنا سلیمان بن بلال عن جعفر بن محمد عن عطاء بن ابی رباح أنه سمع عائشة زوج النبی ﷺ تقول کان النبی صلی الله علیه. تمیمی بستی، صحیح ابن حبان، ج ۳، ص ۳۱۴.

این افراد روایت نموده است.

طبق بررسی‌های انجام‌شده اکثر احادیث امام صادق علیه السلام از پدر گرامی خود حضرت امام محمدباقر علیه السلام^۲ و اجداد طاهرینش نقل کرده است.^۳ و روایاتی که امام علیه السلام از فقهای اهل سنت نقل کرده بسیار اندک است.

با توجه به این روایات، این‌گونه برداشت می‌شود که امام علیه السلام نیز دارای اساتید مختلف بوده است؛ اما اگر مجموعه‌ی احادیث منقول از امام صادق علیه السلام را در نظر بگیریم و بر آن‌ها تأمل کنیم به این نتیجه می‌رسیم که باوجود این شواهد، بنا بر دلایل دیگری نمی‌توان پذیرفت امام صادق علیه السلام نیز (آن‌گونه که در جوامع حدیثی معمول است) دارای استاد و آموزگار بوده است. چون این‌گونه روایات منقول از علمای اهل سنت بسیار اندک است. در مقابل احادیث صادره از آن حضرت، یا انشاء و بیان خود آن حضرت است یا از آباء گرامی‌اش نقل می‌کند. در منابع شیعه نیز کلینی (م ۳۲۹ هـ) روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که امام علیه السلام می‌فرماید:

حدیث من حدیث پدرم و حدیث پدرم، حدیث جدم و حدیث جدم، حدیث حسین علیه السلام و حدیث حسین علیه السلام، حدیث حسن علیه السلام و حدیث حسن علیه السلام، حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام و حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام، حدیث رسول‌الله صلی الله علیه و آله و حدیث رسول‌الله صلی الله علیه و آله عزوجل است.^۴

۱. وَحَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ عَنْ حَاتِمِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُكَدَّرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَنْبَلٍ عَنْ عَلِيٍّ وَلَمْ يَذْكُرْ فِي السُّجُودِ. قَشِيرِي نَيْسَابُورِي، مُسْلِمُ بْنُ الْحَجَّاجِ أَبُو الْحَسَنِ، صَحِيحُ مُسْلِمٍ، ج ۲، ص ۴۹.

۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْأَعْلَى الصَّنَعَانِيُّ، حَدَّثَنَا خَالِدٌ، يَعْنِي ابْنَ الْحَارِثِ، حَدَّثَنَا هِشَامُ صَاحِبُ الدُّسْتَوَائِي، حَدَّثَنَا قَتَادَةَ (ح) وَحَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، حَدَّثَنَا وَكَيْعٌ، عَنْ هِشَامِ صَاحِبِ الدُّسْتَوَائِي، عَنْ قَتَادَةَ. أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ خَزِيمَةَ السَّلْمِيُّ، صَحِيحُ ابْنِ خَزِيمَةَ، ج ۳، ص ۲۱۵.

۳. تمیمی رازی شافعی، التفسیر الکبیر ج ۲۳، ص ۱۳۶؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۱۹۸؛ بیهقی، أبو بکر أحمد بن الحسین بن علی، سنن صغری، ج ۳، ص ۲۴؛ أصبجی، مالک بن انس أبو عبدالله، الموطأ، ج ۳، ص ۵۶۵.

۴. ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۴، ص ۳۸۷.

۵. کمره‌ای، ترجمه اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵۴.

همین منابع که افراد مذکور را به عنوان استاد و شیوخ حدیثی امام صادق علیه السلام ذکر می کنند، روایتی را از قول خود آن حضرت بیان می کند که ایشان داشتن هرگونه استاد یا شیوخ حدیث به معنای عام آن نفی می کند و می فرماید: ... لاکنها روایة رویناها عن آبائنا. بلکه ما این ها را از پدران خود نقل می کنیم.^۱

بنابراین در توجیه روایات مذکور باید بگوییم امام این روایات را در جلسات علمی از علماء و فقها اهل سنت (در استدلال هایشان در حضور امام صادق)، شنیده و امام علیه السلام از همان روایات در مناظرات و استدلال های علمی با علمای اهل سنت استفاده کرده است. همان گونه که ابوحنیفه پس از مناظره با امام علیه السلام (در حضور منصور) به آن اعتراف کرده است.^۲

امام صادق علیه السلام و علوم دیگر

بررسی گزارش هایی که از شاگردان امام صادق علیه السلام در باب علوم مختلف در منابع اهل سنت آمده نشان می دهد مباحث علمی مختلفی توسط امام تدریس می گردید.

ابن طلحه شافعی تسلط امام صادق علیه السلام بر علوم و تفسیر و معانی قرآن کریم را بسیار عمیق می داند.^۳

در حوزه علمیه امام صادق علیه السلام انتخاب درس آزاد بود و هر کس با توجه به علاقه و شوق علمی که داشت علوم موردعلاقه ی خود را انتخاب و جهت فراگیری پای درس امام علیه السلام می نشست تا افق های علمی جدید به رویش گشوده شود.

لذا به برکت امام صادق علیه السلام علوم قرآن، حدیث، فقه، تفسیر، قرائت، ادبیات، کلام، طب، اخلاق شیمی، نجوم و ... بسیار پیشرفت نمود. خصوصاً فقه و کلام شیعی در این دوره بسیار گسترش یافت که به صورت اختصار به بعضی از علوم اشاره می کنم.

۱. عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۶۹.

۲. ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۵۸؛ أبو أحمد الجرجانی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۲، ص ۳۵۸؛ ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر الاعلام، ج ۱۰، ص ۹۰.

۳. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۸، ص ۲۱۲.

قرائت قرآن

یکی از علومی که امام به تدریس آن اهتمام نمود، قرائت قرآن کریم بود. بنا به نقل ابن جزری (م ۸۳۳ هـ) امام صادق علیه السلام قرائت قرآن کریم را از طریق پدرانش از پیامبر گرامی آموخته بود.^۱ با آن که امام علیه السلام از قرائت‌های شاذ جلوگیری می‌کرد، ظاهراً خود نیز قرائتی خاص داشته است.^۲

حمزه بن حبیب زیات (م ۱۵۶) قاری کوفه و از قرآء هفتگانه و یکی از مهم‌ترین شاگردان امام صادق علیه السلام در علم قرائت بود.^۳ عمر بن هارون البلخی یکی دیگر از شاگردان حضرت است که مهارت زیادی در علم قرائت داشت.^۴

تفسیر قرآن

ابن طلحه شافعی در بیان جایگاه تفسیری امام صادق علیه السلام، حضرت را مفسری متتبع در معانی قرآن کریم دانسته که از دریای قرآن گوهرهایش را استخراج و عجایبش را استنتاج می‌کند.^۵

از باب مثال می‌توان اشاره کرد به روایات زیر:

سعید بن منصور در نقل روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی «فما استیسر من الهدی» می‌گوید: منظور از الهدی، گوسفند است.^۶

نیز در تفسیر کلمه «الثقلان» می‌فرماید: منظور از آن انس و جن است به دلیل این که بار گناه این دو گروه بسیار سنگین است به ثقلان تعبیر شده است.^۷

۱. ابن جزری، محمد، غایة النهایة فی طبقات القراء، ج ۱، ص ۸۵.

۲. دایره المعارف بزرگ اسلامی مقاله جعفر صادق امام ۲۱۲.

۳. ابن جزری، محمد، النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۱۶۵.

۴. عکری حنبلی، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۱، ص ۳۴۱.

۵. دایره المعارف بزرگ اسلامی ج ۱۸، ص ۲۱۲.

۶. سعید بن منصور، تفسیر من سنن سعید بن منصور، ج ۱، ص ۳۶۲.

۷. ثعالبی، ابو منصور، تفسیر الثعالبی، ج ۴، ص ۳۰.

حدیث

در زمینه‌ی علم حدیث نیز امام صادق علیه السلام روایات فراوانی دارد که بسیاری محدثین اهل سنت در منابع خود نقل کرده‌اند. بسیاری از احادیث امام صادق علیه السلام بدون ذکر سلسله سند از پدران گرامی خود نقل گردیده و در این باب به جهت وجود یک اسناد کلی و مقدر در تمام روایات منقول، ضرورتی نمی‌دید. برای هر روایت سند تکراری ارائه نماید؛ اما همان‌طور که قبلاً اشاره شد در بعضی از مناسبات تصریح می‌فرمود حدیث من حدیث پدرم، حدیث او حدیث پدرش ...، همین‌طور سند به پیامبر می‌رسید.^۱

در مواجهه منابع اهل سنت با روایات امام صادق علیه السلام دو نوع برخورد دیده می‌شود:

عده‌ای نیز که تعداد آن‌ها بسیار اندک می‌باشند، بدون توجه به وثاقت امام، روایات فاقد اسناد آن حضرت را مرسل یا مرفوع و ضعیف^۲ دانسته‌اند.

عده زیادی از منابع با توجه به توثیق امام صادق علیه السلام توسط افرادی مانند ابن معین و غیره توجهی به اسناد روایات امام نکرده، آن‌ها را پذیرفته‌اند. به همین جهت بسیاری از شاگردان مانند یحیی بن سعید^۳، سلیمان بن بلال^۴ و ابن عیینة^۵ در محضر امام جمع شده به کسب علم حدیث مشغول بودند.

فقه

در گسترش فقه نیز امام صادق علیه السلام بسیار مؤثر بودند به گونه‌ای که این رشته از علوم دینی، علاقه‌مندان خود را دور امام صادق علیه السلام جمع کرده بود. از افرادی که به تحصیل علم فقه نزد امام مشغول بوده و روایات فقهی را در ابواب مختلف

۱. کلینی، الکافی ج: ۱ ص: ۱۵۴.

۲. عبد الباری، الروایات التفسیریة فی فتح الباری، ج ۳، ص ۱۱۷۴.

۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تفسیر الطبری، ج ۲، ص ۳۳.

۴. همان، ج ۲۳، ص ۳۸۸.

۵. صنعانی، أبو بکر عبد الرزاق بن همام، تفسیر الصناعی، ج ۲، ص ۲۹۱.

آن نقل نموده‌اند می‌توان به ابراهیم بن محمد المدنی، سفیان الثوری^۱، حاتم بن اسماعیل، سلیمان بن بلال^۲، مالک بن انس^۳ اشاره کرد.

کیمیا، طب، نجوم

برخی از گزارش‌ها حکایت از تدریس امام صادق علیه السلام در علوم طبیعی کیمیا، طب و نجوم دارد. هرچند تدریس این علوم در منابع اهل سنت چندان پررنگ نیست، اما بررسی این منابع و گزارش‌ها اندکی هم که در این مورد وجود دارد مؤید این ادعا است.

ابن خلکان (م ۶۸۱ ه) جابر بن حیان را از شاگردان خاص امام صادق علیه السلام می‌داند که در این فن از امام صادق بهره فراوان برده است وی پس از تمجید از امام صادق می‌گوید: وی در فن کیمیا و ... سخنانی دارد که توسط جابر بن حیان آن را گردآوری کرده است. او در ادامه می‌نویسد: کتابی که جابر بن حیان گردآوری کرده شامل بیش از ۵۰۰ رساله از امام صادق علیه السلام است.^۴

حاجی خلیفه نیز پس از انتساب علوم جابر به امام صادق علیه السلام می‌گوید: جابر تمام عمر خود را در به دست آوردن کیمیا صرف کرد.^۵

در باب طب نیز در بعضی از منابع فریقین روایاتی را در علل خلقت بیماری‌ها و راه‌های درمان آن و نیز گفتگوی آن حضرت با طبیب هندی گزارش شده است؛ و در باب نجوم نیز مطالب زیادی به امام صادق نسبت داده‌اند از جمله مطالبی در باب روزها و ماه‌ها و خواص سعد و نحس آن‌ها که مقاله امام جعفر صادق به آن اشاره نموده است.^۶

۱. شیبانی، الحجة علی أهل المدينة، ج ۲، ص ۴۰۵؛ و ج ۲، ص ۵۲۱.

۲. طحاوی، حمد بن محمد بن سلامه، شرح معانی الآثار، ج ۵، ص ۳۸۷.

۳. قرطبی، أبو الولید محمد بن أحمد بن رشد، البیان والتحصیل، ج ۱۷، ص ۵۱۹.

۴. ابن خلکان، وفيات الاعیان و ابناء الزمان، ج ۱، ص ۳۲۷.

۵. قسطنطینی، مصطفی بن عبدالله، كشف الظنون، ج ۲، ص ۱۵۲۶.

۶. دایره المعارف بزرگ اسلامی ج ۱۸، ص ۲۱۷.

تعامل امام صادق علیه السلام با علماء اهل سنت

از آن جاکه پرداختن به روابط و تعامل امام صادق علیه السلام با تمام علماء و فقهای اهل سنت ممکن نیست در این بخش به اختصار به روابط امام صادق علیه السلام و بعضی از فقهای مشهور اهل سنت که بعداً جایگاهی را در جامعه اهل سنت به دست آورده‌اند اشاره می‌کنم.

ابوحنیفه (م ۱۵۰)

ابوحنیفه پیشوای مذهب حنفی است و در عصر امام صادق علیه السلام می‌زیست و دیدارهایی با امام صادق علیه السلام داشته است. در این دیدارها ابوحنیفه، امام صادق علیه السلام را بسیار احترام می‌کرد و به جایگاه علمی آن حضرت معترف بود. لذا وقتی از او پرسیدند به نظر تو فقیه‌ترین و داناترین شخص کیست؟ جعفر بن محمد را نشان می‌داد.^۱ باید توجه داشت که در کتب متأخر شیعه سخنی را به ابوحنیفه نسبت می‌دهند و می‌گویند: او از این‌که از جعفر بن محمد علمی را فراگرفته به خود می‌بالید و رسیدن به این مقام علمی را مدیون آن حضرت می‌دانست. لذا او گفته: «لولاالسنن لهلك النعمان. اگر آن دو سال (که در محضر امام صادق تلمذ نموده است) نبود، نعمان هلاک می‌شد.» اما تاکنون در هیچ‌یک از منابع متقدم شیعه و سنی چنین مطلبی گزارش نشده است یا بنده به آن دست نیافتم؛ و از متأخرین اهل سنت نیز آلوسی (م ۱۲۷۰) و کتاب مختصر تحفه اثنا عشریه^۲ و دیگران بدون ذکر منبع معتبر آن را ذکر کرده‌اند. البته این احتمال نیز وجود دارد که این عبارت به عمد از منابع پیشین حذف شده باشد. البته با توجه به قرائن و شواهد، این احتمال بسیار ضعیف است.

ابوحنیفه نیز نزد امام صادق از احترام خاصی برخوردار بود. آن‌ها بارها باهم ملاقات نموده به گفتگو و مناظرات علمی می‌پرداختند. امام نیز او را مانند دیگر شاگردان خود مورد لطف و محبت قرار می‌داد و خطاهای علمی او را گوش زد

۱. تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ص ۴۲۱.

۲. مختصر تحفه الاثنا عشریه، ص ۸، ظاهراً آلوسی نیز از جامع المقاصد کرکی (م ۹۴۰) نقل کرده است.

می‌کرد. در گفتگوها و مناظراتی که بین امام علیه السلام و او صورت می‌گرفت، امام همواره او را از قیاس کردن در دین و استنباط نادرست بازمی‌داشت.^۱ چراکه نتیجه‌ی عمل به مبنای فقهی او (یعنی قیاس) باعث تغییر در حکم خداوند و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌گردید و بر امام علیه السلام به‌عنوان جانشین واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله و حافظ دین، لازم بود او را از خطای خود آگاه نماید.

مالک ابن انس (م ۱۷۹)

تعامل امام صادق ع نیز با مالک بن انس بسیار قابل توجه است. چراکه امام علیه السلام با او رفتاری متفاوت از رفتار با ابوحنیفه داشت. البته در مقام احترام علماء تفاوتی بین ابوحنیفه و مالک نزد امام علیه السلام نداشت بلکه تفاوت در برخورد و گفتگوی علمی بود. یعنی گزارش‌های موجود نشان می‌دهد. امام صادق علیه السلام آن‌گونه که به مبنای علمی ابوحنیفه انتقاد می‌کند، به مبنای علمی مالک انتقاد نمی‌کند. این نوع برخورد ممکن است به جهت زیر بوده باشد.

اول: او اهل مدینه بود و گرایش به حدیث داشت و بیشتر تابع حدیث بود تا رأی و قیاس.

دوم: این‌که ممکن است مبنای علمی مالک نسبت به ابوحنیفه از حساسیت کمتری برخوردار بوده است لذا امام علیه السلام در گفتگو با مالک در مقام انتقاد نیست برخلاف ابوحنیفه که از او انتقاد می‌کند و نسبت به عواقب کارش به او هشدار می‌دهد.^۲

سوم: مالک از جانب بنی‌عباس و شخص منصور حمایت می‌شد و امام علیه السلام نمی‌خواست مالک بن انس و به تبع او منصور عباسی را نسبت به خود تحریک کند. چراکه ممکن بود اگر از مالک نیز مانند ابوحنیفه انتقاد می‌شد، چه‌بسا مالک تحمل نمی‌کرد و دستگاه حاکم را نسبت به امام علیه السلام و شاگردانش بدبین نموده

۱. ابن خلکان، وفيات الأعیان، ج ۱، ص ۴۷۱؛ ابن حیان، أبوبکر محمد بن خلف، أخبار القضاة، ج ۱، ص ۲۷۶؛ فقال: اتق الله ولا تقس الدين برأيك، فإن أول من قاس إبليس إذ أمره الله بالسجود لآدم؛ فقال: أنا خير منه خلقتني نار وخلقته من طين.

۲. ابن خلکان، وفيات اللاعیان و ابناء الزمان، ج ۱، ص ۴۷۱؛ ابن حیان، أخبار القضاة، ج ۱، ص ۲۷۶.

در مقابل حضرت قرار می‌داد. لذا ممکن است امام علیه السلام برای حفظ جان و مجموعه حوزه دینی خود تقیه کرده باشد. رابطه‌ای که بین امام صادق علیه السلام و مالک بود یک رابطه‌ی دوستانه و عالمانه بود. هنگامی که مالک نزد حضرت می‌رفت، امام علیه السلام بسیار محترمانه و با تبسم از او استقبال می‌کرد به گونه‌ای که زیرانداز خود را برای او قرار می‌داد.^۱

مالک بن انس می‌گوید: هرگاه بر جعفر بن محمد وارد می‌شدم، او را از سه حال خارج ندیدم، یا در حال روزه بود، یا نماز می‌خواند، یا مشغول به قرائت قرآن بود.^۲

سفیان ثوری (م ۱۶۱)

سفیان ثوری نیز یکی از اصحاب و شاگرد (سنی مذهب) امام صادق علیه السلام است. او بنا به گزارش‌های موجود، صوفی مسلک بود و بارها خدمت امام جهت شنیدن حدیث حاضر شد. در برخی موارد نیز امام صادق علیه السلام از گفتن حدیث بیشتر برای سفیان خودداری می‌کرد.^۳ ظاهراً او در بیان حدیث خطا و اشتباه می‌کرد یا اهل عمل به نصایح امام علیه السلام نبود؛ و می‌فرمود: کثرت حدیث برای سفیان خوب نیست و مصلحت ندارد.^۴ بعضی موارد امام علیه السلام از حضور او جلوگیری می‌کرد. ظاهراً او تحت نظر حکومت بود و امام علیه السلام از جهت خطری که هر دوی آن‌ها را تهدید می‌کرد، از او می‌خواست کمتر نزد امام حاضر شود؛ و نیز تحت نظر بودن او توسط جاسوسان حکومت را به او گوشزد می‌کرد.^۵ مورد دیگری که منابع اهل سنت درباره روابط امام صادق علیه السلام و سفیان ثوری گزارش کرده‌اند، انتقاد سفیان ثوری نسبت به پوشش امام است. این گزارش

۱. جوهری، مسند الموطأ، ج ۱، ص ۸۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۸۹.

۳. قرشی، إسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایة والنهایة، ج ۵، ص ۳۴۳؛ ابونعیم، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۳، ص ۱۹۳ و ۱۹۵.

۴. محمد ابراهیم عادل؛ گونه شناسی اصحاب امام صادق علیه السلام و چگونگی تعامل امام صادق علیه السلام با

آن‌ها. بنقل از ابونعیم، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۳، ص ۲۲۵ و ج ۳، ص ۱۹۳.

۵. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۶۱.

صرف نظر از صحت و سقم آن، بیان‌گر روابط دوستانه بین او و امام صادق علیه السلام است.^۱ با این بیان که روابط امام با اطرافیانش به گونه‌ای بود که دیگران هم می‌توانستند به نحوه زندگی امام علیه السلام انتقاد نمایند.

جعد بن درهم (م ۱۲۴ هـ)^۲

جعد بن درهم یکی از بزرگان زناده و معاصر با امام صادق علیه السلام است. او خود فرقه‌ای تأسیس نکرده است. برخی فرقه جهیمیه که به پیروان جهیم بن صفوان سمرقندی (م ۱۲۸ هـ ق) اطلاق می‌شود را به او مرتبط می‌دانند. به این ترتیب که جهیم بن صفوان شاگرد جعد بن درهم (م ۱۲۴ هـ ق) بوده است و ظاهراً بسیاری از عقاید خویش از جمله عقیده جبر را از او گرفته است. برخی جعد را فردی گمراه و ملحد دانسته‌اند که به سبب عقاید کفرآمیزش، تحت تعقیب بنی‌امیه قرار گرفته است. او معتقد بود خداوند هرگز حضرت ابراهیم علیه السلام را خلیل خود قرار نداده و با حضرت موسی علیه السلام هرگز سخن نگفته است لذا بر اساس این اعتقادات توسط خالد بن عبدالله القسری دستگیر و در عید قربان، به‌عنوان قربانی سربریده شد.^۳

روزی او آب‌وخاک را در ظرفی ریخت. پس از مدتی در این ظرف کرم‌هایی پدیدار گشت. او ادعا کرد که این کرم‌ها را او خلق کرده است و دلیل او این بود که او (جعد بن درهم) سبب به وجود آمدن آن‌ها بوده است. این خبر به امام صادق علیه السلام رسید. امام علیه السلام به او فرمود: اگر او خالق این‌ها است به این سؤال‌ها جواب دهد که تعداد کرم‌ها چند تا ست و نیز بگوید چه تعداد از آن‌ها نر است و چه تعداد از آن‌ها ماده است؛ و نیز به کرم‌ها دستور دهد از راهی که رفته برگردد. وقتی سخنان امام علیه السلام به او رسید از پاسخ گفتن درمانده شد و از ادعای خود برگشت.^۴

۱. ابونعیم، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۳، ص ۱۹۳؛ مزی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ص ۱۹۳؛ ذهبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۷.
 ۲. او را از تابعین و بدعت گذار و گمراه دانسته‌اند. عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۴۸.
 ۳. بخاری جعفی، التاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۶۴.
 ۴. عسقلانی، لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۳۴.

آنچه از اندک گزارش‌های موجود در منابع اهل سنت به دست می‌آید به این واقعیت اشاره دارد که امام صادق علیه السلام با علما و شاگردان خود از فرق مختلف تعامل خوب و مسالمت‌آمیزی داشته است و از تعارض با آنها در حد امکان خودداری می‌نمود.

متأسفانه منابع اهل سنت گزارش روشن و زیادی از تعامل امام صادق علیه السلام با علماء عصر خود به دست نمی‌دهد یا بسیار پراکنده است. لذا از پرداختن به بقیه موارد خودداری کرده به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

منابع و مآخذ

قرآن كريم

- ابن اثير، على بن محمد، أسد الغابة، (بى جا): المكتبة الاسلاميه، ۱۳۴۲ ق
- ابن جزى غرناطى، محمد بن احمد، التسهيل لعلوم التنزيل، بيروت: شركت دار الارقم بن ابى الارقم ۱۴۱۶ ق
- ابن جوزى، يوسف بن قزاوغلى، تذكره الخواص، مؤسسه اهل البيت، ۱۴۰۱ ق،
- ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، صفه الصفوه، تحقيق: طرطوسى، خالد مصطفى، بيروت: دارالكتاب العربى، ۱۴۲۶ ق
- ابن حجر هيثمى، أبى العباس أحمد بن محمد بن محمد بن على، الصواعق المحرقة على أهل الرفض و الضلال و الزندقه، تحقيق: عبدالرحمن بن عبدالله التركى و كامل محمد الخراط بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۷ م،
- ابن حيان، ابوبكر محمد بن خلف، أخبار القضاة، تحقيق، عبدالعزيز مصطفى المراغى (بى جا): المكتبة التجارية كبرى، ۱۳۶۶ ق.
- ابن خلكان، وفيات الاعيان و ابناء الزمان، تحقيق محمد بن عبدالرحمن، بيروت: دار الاحياء التراث العربى.
- ابن طلحه شافعى، محمد، مطالب السئول فى مناقب آل الرسول، بيروت: مؤسسه بلاغ، ۱۴۱۹ ق.
- ابن عربى، ابو عبدالله محبى الدين محمد، تفسير ابن عربى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۲ ق.
- ابن عطيه اندلسى، عبد الحق بن غالب، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ: ۱۴۲۲ ق.
- ابن قتيبة دينورى، أبو محمد عبدالله بن مسلم، المعارف، قاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ط الثانية، ۱۹۹۲.
- ابن نديم، محمد بن إسحاق أبو الفرج، الفهرست، بيروت: دار المعرفة، ۱۳۹۸ ق.

- أبو أحمد الجرجاني، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد، الكامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق: یحیی مختار غزاوی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ ق چاپ سوم.
- أبو حاتم التمیمی البستی، محمد بن حبان بن أحمد، الثقات، تحقیق: شرف الدین، أحمد، بیروت: دار الفکر، ۱۳۹۵ ق.
- أبی حاتم، عبدالرحمن، الجرح و التعديل، بیروت: دار الإحياء التراث العربی، ۱۲۷۱ ق.
- أندلسی أبو حیان، محمد بن یوسف، تفسیر بحر المحيط، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود، علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.
- بخاری جعفی، أبو عبدالله محمد بن إسماعیل بن إبراهيم، التاريخ الكبير تحقیق: السيد هاشم الندوی، بیروت: دارالکتب العلمیة (بی جا).
- التاريخ الصغير، تحقیق، محمود إبراهيم زايد، حلب - قاهرة: دار الوعي، مكتبة دار التراث، ۱۳۹۷ ق.
- بيهقي، ابوبكر أحمد بن الحسين بن علي، سنن صغرى، تحقیق: عبد المعطى أمين قلعجي كراتشى، جامعة الدراسات الإسلامية چاپ اول ۱۴۱۰ ق،
- تمیمی بستی، أبو حاتم محمد بن حبان بن أحمد، صحيح ابن حبان، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴
- تمیمی رازی شافعی، فخر الدین محمد بن عمر، التفسیر الكبير أو مفاتيح الغیب، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.
- حسکانی، عبید الله بن احمد، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، ۱۴۱۱ ق.
- خطیب بغدادی، أحمد بن علی ابوبکر، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیة. دینوری، ابن قتیبة، الامامة و السياسة، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۰ ق.
- ذهبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد بن عثمان، تذكرة الحفاظ، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ذهبی، حمد بن أحمد أبو عبدالله، الکاشف فی معرفة من له رواية فی الکتب

- الستة، (بى جا) (بى نا).
 ذهبى، شمس الدين أبو عبدالله محمد بن أحمد، سير أعلام النبلاء، محقق: مجموعة محققين بإشراف شعيب الأرنؤوط ...
 ذهبى، محمد بن احمد تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير الاعلام، تصحيح: تدمرى، عمر عبدالسلام، بيروت: دارالكتاب العربى، ۱۳۸۰.
 سجستاني، أبو داود سليمان بن أشعث، سنن أبى داود، بيروت: دارالكتاب العربى، (بى تا).
 سمعانى، عبدالكريم بن محمد، الأنساب، تصحيح: معلمى، عبدالرحمن بن يحيى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ۱۴۱۹ ق.
 سيوطى، الدر المنثور فى تفسير المأثور، قم: (بى نا)، ۱۴۰۴ ق.
 شافعى، محمد بن إدريس أبو عبدالله، مسند شافعى، بيروت: دارالكتب العلمية (بى تا).
 شهرستاني، محمد بن عبدالكريم، الملل و النحل، بيروت: دارالفكر، ۱۴۲۰ ق.
 صحيح ابن خزيمة: أبوبكر محمد بن إسحاق بن خزيمة السلمى تحقيق: د. محمد مصطفى الأعظمى، بيروت: المكتب الإسلامى - المكتب الإسلامى، ۱۳۹۰ ق.
 صفدى، صلاح الدين خليل بن ايىك، الوافى بالوفيات، تحقيق: احمد ارناووط و تزكى مصطفى، بيروت: دار الاحياء التراث العربى، ۱۴۲۰ ق.
 صنعانى، أبوبكر عبدالرزاق بن همام، مصنف عبدالرزاق، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى، بيروت: المكتب الإسلامى، ۱۴۰۳ ق.
 طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير جامع البيان فى تفسير القرآن بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
 طبقات الحنابلة: أبو الحسين ابن أبى يعلى، محمد بن محمد، تحقيق: محمد حامد الفقى الناشر: دار المعرفة - بيروت ۲ جلد.
 طوسى، محمد بن حسن، رجال الطوسى بيروت: مطبعة الحيدريه، ۱۳۶۰ ق.
 عسقلانى، ابن حجر، تهذيب التهذيب، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۴ ق.
 عطار نيشابورى، فريدالدين، تذكرة الاولياء (بى جا): زوار، بى تا.

عکری حنبلی، عبدالحی بن احمد ابن عماد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، تحقیق عبدالقادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤوط، دمشق، دار بن کثیر، ۱۴۰۶ ق.

قاضی، أبی عبدالله حسین بن علی الصیمری، أخبار أبی حنیفة و أصحابه، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۵ ق.

قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسین، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (بی تا).

کمرهای، محمدباقر، ترجمه اصول کافی، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش.
محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن: قرطبی: انتشارات ناصرخسرو تهران سال چاپ: ۱۳۶۴ ش

مزی، أبو الحجاج یوسف بن الزکی عبدالرحمن، تهذیب الکیمال فی اسماء الرجال، تحقیق: د. بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسه الرساله چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.

مغلطای، حافظ علماءالدين، إكمال تهذیب الکیمال، تحقیق: أبو عبدالرحمن عادل بن محمد و أبو محمد أسامة بن إبراهيم (بی جا) الفاروق الحدیثة للطباعة و النشر چاپ اول، سال ۱۴۲۲ ق.

نسفی، ابو حفص نجمالدين محمد، تفسیر نسفی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۷ ش.

نووی، أبو زکریا محییالدين بن شرف، تهذیب الأسماء و اللغات، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، (بی جا)، (بی تا).

نیشابوری، نظامالدين حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.

یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان و عبره الیقظان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق

پایان نامه‌ها:

خان، محسن علی، شخصیت و آثار غیر عرب امام صادق علیه السلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، مجتمع عالی فقه و معارف و اسلامی، وابسته به جامعه المصطفی العالمیه صلی الله علیه و آله.

عادلی، محمدابراهیم، گونه شناسی اصحاب امام صادق علیه السلام، مدرسه عالی امام خمینی قدس سره.

دائرة المعارف‌ها:

موسوی بجنوردی، محمدکاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

نرم افزارها:

لسان المیزان گنجینه روایات نور ۱/۲.